

## جایگاه حضرت شوقی ربّانی در تاریخ امر بهائی

شاپور راسخ

سروران و یاران عزیز و ارجمند

باید هم در بادی سخن این مطلب را اذعان کنم که اگر دستور انجمن ادب و هنر در میان نبود هرگز این خطر نمی‌کردم که با نقصان معرفت در بارهٔ موضوعی به این وسعت و عظمت که جایگاه حضرت شوقی ربّانی در تاریخ امر بهائی و به تبع آن تاریخ جهانی باشد به بحث پردازم. به راستی که عرصهٔ سیمرخ جولانگاه پشهای ضعیف و نحیف نبوده و نتواند بود. اما چه کنم که از فرمان عزیزان نیز سرپیچی نمی‌توانستم کرد.

قرعهٔ بندگی خویش به نامم زده‌ای این سعادت عجب است، این چه مبارک فالی است. خصوصاً که سال جاری مقارن است با صدمین سال ولادت فرخندهٔ آن محبوب یگانه که یاد مهرپرورش در همه دل‌ها زنده و روحپرور و فتوح‌بخشنده است. به قول شاعر:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست می‌کشد آنجا که خاطرخواه اوست

شبهه نیست که نسل حاضر و معاصر به آن شخصیت رفیع و منبع نزدیک‌تر از آن است که بتواند بزرگی و جلالت او را چنان که باید و شاید ببیند و دریابد. بی‌گمان باید روزگاران بسیار بگذرد تا اراج و بها و جلوه و نمای تأثیرات پایداری که آن حضرت بر تاریخ امر پروردگار نهاده است متدرجاً آشکار شود. از این رو باید خاضعانه دست به دامان طلعت مقدّس ملهمی چون حضرت عبدالبهاء شد که پرتو هدایتی در این راه فراگام این گمشدگان دارند. به راستی هم موضع و موقع حضرت شوقی ربّانی در تاریخ امر و تاریخ عالم را چه کسی بهتر از نیای بزرگوارش می‌توانست معین و مشخص

کند؟ حضرتش را قلم پیمان تنها به عنوان ولیّ امرالله و مرجع جمیع احبّاء و مبین آیات الله و حافظ حصن متین امرالله معرّفی نفرموده، بلکه گسترش جهانی امر بهائی را مدیون همّت و مرهون هدایت آن حضرت دانسته و با عباراتی چون «طوبی لمن استظلّ فی ظلّه الممدود علی العالمین» و «بتلاؤک وجهه تلاؤاً یتنور به الآفاق» تابندگی جهان شمول آن وجود مسعود را که بی گمان در سراسر تاریخ ادیان فرید و وحید بوده‌اند از پیش یادآور شده است.

می‌دانیم که در فصل دوازدهم کتاب دانیال آیه دوازدهم گفته شده خوشا به حال آن که به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد. شک نیست که این نبوت چنان که به طور ضمنی در آثار حضرت عبدالبهاء تبیین و تفسیر شده<sup>۱</sup> به انتشار امر بهائی در سراسر عالم که عملاً در ظلّ نقشه ده ساله حضرت ولیّ امرالله تحقّق پذیرفت مربوط می‌شود. به عبارت دیگر رسالت فراگیرنده آن وجود مقدّس در نشر پیام صلح و وحدت عالم انسانی در پهنه گسترده گیتی از قبل اخبار و اعلام شده بود و از این رو عجب نباید داشت که اشعای نبی وقتی از نهالی که از تنه یسوی<sup>۲</sup> برآمده و نیز از شاخه‌ای که از ریشه‌هایش خواهد شکفت یعنی از حضرت بهاءالله و حضرت مولی الوری سخن می‌گوید و وقوع صلح جهانی را نیز با همدمی گرگ و بزّه تصویر و پیش‌بینی می‌کند بعد اشاره به پسر کوچکی دارد که هادی گله‌ها خواهد بود و در زمان او نه شری در کوه مقدّس روی خواهد داد و نه ویرانی پیش خواهد آمد بلکه همه سرزمین از معرفت الهی به سان دریا که از آب مشحون شود پر و سرشار خواهد شد.<sup>۳</sup>

موضع و موقع حضرت شوقی ربّانی در جامعه بهائی و تاریخ امر الهی را باید از زبان بزرگ مردان و بزرگ زنانی شنید که در زمان حضرتش زیسته و بارها به درک فیض آسمانی زیارت و مصاحبتش نائل شده و شاهد افکار و انوار و آثار وجود مقدّسش بوده‌اند، و ضمن آنکه سال‌ها سر در حلقه ارادتش داشته و پای در رکاب خدمتش گذاشته، از نزدیک تحولات زمان حضرتش را ناظر بوده‌اند، نفوسی از قبیل امة البهائ روحیه خانم و بانو امیلیا کالینز (Amelia E. Collins) و جنابان یوگو جیاکری (Ugo Giachery)، علی اکبر فروتن، ذکراالله خادم، جان ربارتس (John Robarts) و لروی آیواس (Leroy Ioas) و نظائر ایشان که اجازه می‌طلبم در حدّ مقدور از هر کدام عبارتی چند در وصف آن طلعت قدسی و بیان تأثیر و نفوذ جهانگیرش یاد کنم و خود به این کلام شاعر عارف متوسّل و متعذّر شوم که:

من چه گویم یک رگم هشیار نیست وصف آن یاری که او را یار نیست  
امة البهائ روحیه خانم در فصل پایانی گوهر یکتا که به ترجمه شیوای جناب ابوالقاسم فیضی حلیه  
پارسی پوشیده چنین نوشته‌اند:

«حضرت ولیّ امرالله با قوای خارق العاده خود، عناصر مختلفه موجوده در جامعه عظیمه الهیه را در طی سنین متوالی و تجربه‌های روحانی، رفته رفته به ترکیبی واحد مبدل فرمودند که شامل جمیع ملل و نحل و مجامع جهانی گردید و البته چنین ترکیبی هرگز قابل انشقاق نیست. جامعه

امریه را چنان منظم و مرتب فرمود که مجلای تعالیم الهیه گردید و انوار اوامر و نواهی و اصول و مبادی از آن ساطع و لائح شد... با توضیحات و تبیینات خود، هیکل نازنین امر را روئین تن فرمودند که سهام انشاق هرگز در آن نفوذ نیابد و تا ظهور جدید که بار دگر جهان را به انوار بدیعه الهیه منور خواهد فرمود جامعه جهانی بهائی کثله واحده باقی و برقرار و مداوم و استوار بماند... در تمام مدت تاریخ امر، این وجود نازنین فرید و وحید است زیرا کمتر کسی را می یابید که در ثلث قرن این قدر نقشه های کار و عمل را ابداع فرموده و به کار انداخته باشد... اوست که اساس جامعه جهانی بهائی را بر طبق اراده جمال قدم و نقشه مرکز عهد اتم، شالوده ریزی و تأسیس فرمود و چنان به نقطه اعلی رسانید و جمیع مراتب آن را مکمل فرمود که جامعه بهائی را صحیح و سالم به دست بازماندگان خود سپرد.<sup>۴</sup>

از جمله کارها و اعمال حضرت شوقی ربانی، امة البهاء به این خدمات برگزیده جاودانی اشاره کرده اند: تبیین و تشریح آثار مقدسه علیا، تکمیل ساختمان مقام اعلی، تنفیذ الواح ملکوتی حضرت مولی الوری و فتح روحانی فزون از ۲۵۰ کشور و سرزمین در خلال نقشه های متابع متوالی، ایجاد و تقویت تأسیسات اداری امر الهی، استقرار رمس حضرت ورقه علیا و انتقال رمسین اطهرین در قلب کوه کرمل و جوار مقام اعلی، ایجاد اولین بنای قوس مرتفع در کوه خدا، ارشاد و هدایت جامعه بهائی در مراحل نخستین عصر تکوین در جهت وصول به عصر ذهبی دور جمال قدم که ظهور مدنیت لاشرقیه و لاغربیه خواهد بود، تشریح فلسفه تاریخ و کور و دور از منظر بهائی و ارائه دورنمای حرکت عالم به سوی نظم بدیع جهان آرای الهی، تشویق به ایجاد ابنیه و اماکن و مؤسسات مختلفه امری از مشارق اذکار و حظائر قدس گرفته تا مؤسسات مطبوعاتی و نظائر آن، انتصاب حضرات ایادی و تفویض وظیفه حفظ و حراست امرالله به آنان، و بالاخره تهییج و تشویق همه احباء در سراسر عالم به تزئید خدمات تبلیغی و مهاجرت برای نشر کلمه الهی و دیگر وظائف و مسؤولیت های روحانی که بالمآل منجر به پیروزی درخشان نقشه جهاد کبیر جهانی و تمهید مقدمات برای استقرار قبه نظم اداری یعنی بیت العدل اعظم الهی بر پایه فزون از پنجاه محفل روحانی ملی گردید.

ایادی امرالله جناب ذکرالله خادم در سرآغاز کتاب به یاد محبوب چنین نگاشته اند:

«غصن مبارک ریّان و نور طالعی که از فجر هدی بعد از حضرت مولی الوری لائح و مضیء گشت و بر حسب نبوت مبارکش آفاق جهان را الی ممرّ الدهور و الاعصار مثلثاً فرمود، نوری که بر ممالک و بلاد و جزائر و اقیانوسها و بحار و براری و اتلال و سموات و ارض پرتو افکند و تلالو وجه مبارکش تا جهان باقی است و جمال قدم بر عرش عظمت و جلال مستوی، در سراسر جهان لائح و مضیء خواهد بود... نوری که منبع و مطلعش دو ظهور امنع اعز صمدانی، بهاء الارضین و السموات (جمال اقدس ابهی) و نوره الذی لا یفوت (حضرت ربّ اعلی) بوده... آه آه عمّا قضی و امضی که این نور سموات علی و مصباح ملأ اعلی از مشکوة ناسوت صعود فرمود و در زجاجه ملکوت پرتو افشان گشت.»

جناب خادم پیش‌گونی شیخ محیی‌الدین عربی را به خاطر می‌آورند که گفته است در ایام آخرین «یحکم الصبی صاحب الوجه البهی و یجلس علی السّریر حرف شین» که اشارت به نام آن حضرت است. در بیان عظمت مقام و اهمّیت اقدامات حضرت ولیّ امرالله می‌نویسند:

«مدنیّتی که اصول و احکامش را شارع اعظم وضع فرمودند و حضرت ربّ اعلیٰ به آن بشارت دادند و حضرت مولی الوری هندسه‌اش را ترسیم و تبیین فرمودند و مولای محبوب که اکنون این بی‌نویان را به حرمان و فراق مبتلی فرموده اعمده و ارکانش را نصب نمودند مدنیّت [است] که بالمآل سبب بلوغ عالم به رتبه کمال و تبدیل ارض به قطعه‌ای از فردوس اعظم خواهد بود.»<sup>۵</sup>

فصلی از کتاب به یاد محبوب به پیشرفت امر مبارک در دوران ولایت اختصاص دارد.<sup>۶</sup> جناب خادم راپرت‌های سنوی مندرج در ۱۲ جلد کتاب «عالم بهائی» را به صدق این بیان مبارک شاهد می‌آورند که فرموده بودند: «امر مبارک به منزله قطره بود، حال دریا شده.»

از جمله خدمات عظیمه آن حضرت در فصل مذکور، این موارد ذکر شده است:

تشید محافل روحانی محلی، تأسیس محافل روحانی ملی، برقراری انجمن‌های شور روحانی ملی و مؤتمرها، هدایت و تربیت احباء در نظم اداری حضرت بهاءالله، گسترش سریع و عظیم مراکز و جمعیت‌های بهائی در سراسر عالم، تشویق و راهنمایی نقشه‌های توسعه امر الهی و فتح ممالک، برقراری مؤسسه‌ی ادای امرالله، به رسمیت شناساندن مقام ولایت امر به ولات امور و اخذ و حفظ اماکنی که ناقضان غصب کرده بودند، بسط ترجمه آثار بهائی، تکمیل مقام اعلیٰ، به پایان بردن ساختمان مشرق الاذکار و یلمت، اتمام بنای دارالآثار بین المللی، شروع ساختمان دو مشرق الاذکار در کامپالا و سیدنی که عموماً تأثیرات خلاقه حضرتش را به دوام روزگار باقی و برقرار می‌کند.

جناب علی اکبر فروتن ایادی امرالله که دو بار به افتخار تشرف به حضور مبارک فائز شده در مقاله‌ای زیر عنوان «ولایت امر و مشرق‌زمین»<sup>۷</sup> می‌نویسند (ترجمه به تلخیص):

«وقتی حضرت ولیّ امرالله بر کرسی ولایت مستقر شدند در مشرق‌زمین فقط یک محفل روحانی در طهران وجود داشت و محافلی روحانی در عشق‌آباد و مرو و در بادکوبه نیز برپا بودند. آن حضرت طی پیام‌های متعدّد، طرز انتخاب و اداره محافل روحانی را به یاران رحمانی روشن فرمود، محافل روحانی مرکزی و بعد ملی به تدریج به وجود آمدند و یاران با نظم اداری حضرت بهاءالله آشنا و مأنوس شدند، نظمی که بنیاد و مقدمه نظم نوین جهانی جمال مبارک است. همچنین در پیام‌های متوالی، حضرتش وظائف فردی و جمعی احبّ را از جمله تبلیغ، تعلیم و تربیت کودکان و جوانان، حسن اخلاق و تحقّق حیات بهائی و نظائر آن تعلیم و تلقین نمودند. به هدایت آن حضرت اصل آثار مبارکه جمع‌آوری و نسخه‌برداری شد، جامعه بهائی به توجه و تنفیذ احکام کتاب مستطاب اقدس رهنمائی شد، همین جامعه از آسیب نفوس ناقص به دور و بری گشت و به تدریج ارکان آینده بیت العدل اعظم که تأسیسش هم از ابتدا مطمح نظر هیکل اقدس

بود ولی شرایط زمان اجازه آن را نمی داد، یعنی محافل مرکزی و ملی در هندوستان- پاکستان و برمه (۱۹۲۳)- مصر و سودان (۱۹۲۴)- عراق (۱۹۳۲) و ایران (۱۹۳۴) به وجود آمد. به تشویق آن حضرت بود که در سال‌های بعد خصوصاً طی نقشه ده ساله، عده کثیری از احبابی ایران به سرزمین‌های سایره مهاجرت کردند و احیاناً به فتح اقالیم توفیق یافتند و در همه جا علم عزت امر را برافراشتند.»

در کتاب آثار گهربار همان ایادی شریف در باره حضرت ولی امرالله چنین می نویسد:

«بعد از صعود حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امرالله به نهایت قدرت و عظمت و کمال و جلال و سطوت، زمام جامعه بهائی را به دست گرفته حصن حصین امرالله را از هجوم دشمنان و بغض و عداوت مبغضان و فتنه و فساد اهریمنان محفوظ و مصون داشته، کشتی امر الهی را در دریای پرانقلاب حوادث مدهشه و وقائع مخوفه به ساحل مقصود رهبری فرمودند. امر الهی در دوره فرخنده حضرت ولی امرالله روز به روز بر توسعه و عظمت خود افزود و بر اثر تعلیمات و تشویقات متوالیه آن حضرت، افراد جامعه بهائی در شرق و غرب عالم قیامی عاشقانه نمودند و به وظائف روحانیته خویش عامل شدند... اساس تشکیلات بهائی بر روی پایه محکم و متین انتظامات صحیحه استوار شده و محافل مقدسه روحانیته و ملیته در اقالیم مختلفه تأسیس و در بعضی از ممالک اروپا و ایالات متحده امریکا و کانادا و کشورهای دیگر، محافل ملی و محلی بهائی از طرف دولت به رسمیت شناخته شده.»<sup>۸</sup>

جناب فروتن از تکمیل بنای مشرق الاذکار ویلمت امریک و محفظه آثار بین المللی در ارض اقدس و تصرف و تعمیر قصر مبارک بهجی و اتساع دوائر و تأسیسات روحانیته و بسط مجهودات و مساعی یاران الهی در سبیل اجراء اوامر مبارکه نیز یاد می فرمایند و به این عبارت خاتمه می دهند که آن حضرت «مدت سی و شش سال شب و روز جامعه بهائیان جهان را به قوتی ملکوتی و قدرتی جبروتی هدایت و رهبری فرمودند.»<sup>۹</sup>

ایادی امرالله جناب جان ربارتس در سال ۱۹۵۵ م. به حضور مبارک تصرف حاصل کرد. ایشان مجمل خاطرات خود را در یکی از مجامع مطالعات بهائی در کانادا بیان کرده است.<sup>۱۰</sup> عمده این خاطره‌ها در باره قدرت شگفت آور آن حضرت در تجهیز و اعزام مهاجران به فتح ممالک و بلدان است. حضرت ولی امرالله ینش عمیقی از تاریخ داشتند و تحوّل جامعه بهائی را در هفت مرحله از مجهولیت و مقهوریت و انفصال تا رسمیت و استقرار به عنوان دین رسمی و تشکیل دولت بهائی و بعد تحقق جامعه جهانی و سرانجام نیل به مدنیت حضرت بهاءالله پیش‌بینی و اعلام می فرمودند. هم حضرتش بودند که توسعه آینده ابنيه قوس کرمل را در حول مقام حضرت ورقه علیا و دیگر مقامات مقدسه مجاوره به جناب ربارتس تشریح نمودند. نکته دیگری که توجه جان ربارتس را به خود معطوف داشت تأکید آن حضرت بر این امر بود که

در امور صوری و اداری باید از دولت متبوع پیروی کرد ولی در امور روحانی، قوانین و تعالیم الهی را اطاعت نمود ولو این کار به قیمت جان شخص تمام شود. و به راستی هم حضرت ولی امرالله حفظ روش‌ها و سنن بهائی را در جمیع موارد توصیه مؤکد فرمودند: از اعلام صریح عقیده و دین خود گرفته تا رعایت عقد و ازدواج بهائی و عدم شرکت در احزاب و احتراز از اجرای آداب ادیان سابقه و نظائر آن که استقلال و تمایز جامعه بهائی را علی رؤوس الاشهاد ثابت و آشکار نمود.

کتاب خاطرات جناب یوگو جیاگری از حضرت شوقی افندی<sup>۱۱</sup> در شمار کتب معدودی که در باره آن حضرت نگاشته شده از بهترین است. دکتر جیاگری نخست فصلی را به فضائل اخلاقی و روحانی آن حضرت که سرمشق رهبری روحانی بودند اختصاص می‌دهد که شامل بحث از ایمان عظیم - فروتنی و محویت - ارتباط غیرعمدی با منبع الهی - شور و اشتیاق - ثبات و استقامت و فتوت و بزرگواری آن حضرت است. فصل بعد به قریحه ادبی آن حضرت مربوط می‌شود و مباحثی چون ترجمه‌ها - کارهای اصیل آن حضرت - حضرت شوقی ربانی به عنوان موزخ - مکاتبات و نبوغ هنری آن حضرت را در بر می‌گیرد. در فصول بعد دکتر جیاگری از توسعه مرکز جهانی امر حضرت بهاءالله در عکا و حیفا و نقش اساسی حضرت ولی امرالله در آن گفتگو می‌کند. در پیش‌گفتاری که به تأثرات زائران مربوط می‌شود دکتر جیاگری به بعضی از صفات و ملکات فاضله دیگر آن حضرت اشاره می‌کند: محبتی بی‌حد، بصیرتی دوررس، دانشی بسیار وسیع، روحانیی پر افاضه و قدرت، اتکاء دائم بر الهامات الهی، ثبات و استواری شخصیت، علو نظر و بلندی مقصد، انضباط و فداکاری و محویت تنها بعضی از جلوه‌های آن وجود مقدس بودند.

حضرت شوقی ربانی غالباً اشاره می‌فرمودند که وقت قلیل است و احتیاج بشریت به اجراء و تنفیذ نقشه الهی برای اصلاح عالم شدید. در نتیجه لحظه‌ای را بیهوده نمی‌گذراندند و روز و شب را مشتاقانه به کار بنیادگذاری نظم آینده بشریت صرف می‌کردند. در اجرای تصمیمات از پی‌گیری و استقامت دست برنمی‌داشتند و از هیچ مشکلی در مسیر خود هراس نداشتند. در حکمت و خرد، در ابتکار و عمل، در شجاعت و شهامت، در جهت‌گیری و پایداری، در جنبش و حرکت به راستی نمونه و سرمشق بودند. در عین اعتدال و وقار و متانت در گفتار و رفتار، قلبی گرم، پرمهر، نجیب و پراحسان داشتند، مغناطیس محبت ایشان همه قلب‌ها را به سوی آن حضرت جذب می‌کرد. همواره به نیاز دیگران قبل از خود اندیشیدند، از نعمت‌های دنیا هیچ یک را برای خود نخواستند و به حد اقل کفایت نمودند. همه آرزوها و امیال ایشان متوجه اعتلاء حیثیت امر مبارک بود. خود به زندگی ساده می‌ساختند ولی برای امر الهی و خدمات انسانی دستی گشاده داشتند.

هرچند که بحث ما دقیقاً به شخصیت حضرت ولی امرالله غصن ممتاز شجره بهاء مربوط نیست بلکه خدمات و آثار و تأثیرات آن حضرت در تاریخ امر بهائی مطرح است مع ذلک از ذکر بعضی از اوصاف حضرتش که در ارتباط با مقام و نقش ایشان است نمی‌توان پرهیز کرد. جناب لروی آیواس که مدت ۶ سال در ارض اقدس افتخار مصاحبت و خدمت آن حضرت را داشته در سخنان خود در جمع احبای افریقای جنوبی (اکتبر ۱۹۵۸ م.) فرموده:

«حضرتشان مانند یک نیروگاه عظیم روحانی بودند... در مجاورت این قوه عظیم بودن و در کنار آن کار کردن آسان نبود... حضرت ولی امرالله زندگانی خود را به کلی فدای امر الهی فرموده بودند. نه تنها ساعات طولانی کار روزانه ایشان بلکه اوقات خواب و استراحت و خوراک نیز وقف امر و در جهت خدمت بیشتر و مؤثرتر به آستان الهی بود. حضرتشان به هیچ چیز جز به امر نمی‌اندیشیدند و در مورد هیچ مطلب دیگری جز امر الهی سخن نمی‌گفتند.»<sup>۱۲</sup>

«حضرت ولی امرالله به سه اقدام مهم مبادرت فرمودند: یکی بنا نمودن نظم اداری امر الهی، دوم توسعه دیانت بهائی در سراسر دنیا، و سوم ایجاد مرکز جهانی امر الهی در اراضی مقدسه. این سه هدف بود که مدار حیات مقدس ایشان قرار گرفت و تمام کوشش و تلاششان را تا پایان حیات به خود جذب کرد.»<sup>۱۳</sup>

و در همه این موارد و کارها چنان که خود فرموده بودند تنها متکی به تأییدات الهی بودند. امیلیا کالینز ایادی امرالله که باب کالینز در مدخل روضه مبارکه بهجی نام او را مخلد کرده است در بیاناتی در کنفرانس فرانکفورت (جولای ۱۹۵۸ م.) در مورد حضرت ولی امرالله چنین گفته‌اند:

«در سال ۱۹۲۳ برای بار اول حضرت ولی امرالله را در حیفا زیارت کردم. جوانی بودند با عزم و اراده‌ای خلل‌ناپذیر برای ایفای وظیفه خطیری که به ایشان محول شده بود مملو از قدرت و اعتماد، با قلبی مهربان و مشحون از شور و اشتیاق. در طی سال‌ها با اعجاب، ناظر گسترش نظم جهانی حضرت بهاءالله بودم که هیکل مبارک با خردمندی و صبر و شکیبائی و استقامت در قطب عالم بر پا کردند. در وجود هیکل مبارک تواضع و فروتنی، ذاتی و جبلتی بود اما هرگاه پای امر در میان می‌آمد برای دفاع از آن آتشین می‌شدند. رفتارشان شاهوار و پرهیمنه و گفتارشان با سلطه و اقتدار، اما به عنوان یک فرد انسانی وجودشان محویت صرف بود. از هرچه که نشانه‌ای از ستایش شخص ایشان داشت بیزار بودند.»

احساس مسؤولیت وجدانی چون آتش وجودشان را می‌سوزاند. حساسیت، بزرگواری، علو نفس با مرور زمان در خلال سال‌های ولایت امر بارزتر و قوی‌تر شد و بعد امیلیا کالینز بعضی از خدمات آن حضرت را یادآور می‌شود: ۱- تأسیس مرکز جهانی؛ ۲- قطع رشته‌ای که به ظاهر دیانت بهائی را به دیانت اسلام بسته بود؛ ۳- ارشاد تشکیل و توسعه نظم حضرت بهاءالله؛ ۴- معاف کردن اماکن امری ارض اقدس از عوارض شهری و مالیات مملکتی؛ ۵- ساختمان مقام اعلی و محفظه آثار؛ ۶- صدور آثار و ترجمه‌هایی به زبان فصیح- دقیق- منبع- عمیق و الهام‌بخش؛ ۷- به راه انداختن نقشه‌های توسعه امر مبارک و تشویق به مهاجرت و فتح ممالک و نقشه جهاد کبیر؛ ۸- ارائه و تحلیل تاریخ گذشته و عرضه تحولات آینده؛ ۹- حفظ و جمع‌آوری و استتساخ نصوص و آثار مبارکه و ثبت اماکن متبرکه در ایران و ممالک اخری؛ ۱۰- تکمیل مشرق الاذکار و یلمت و تنظیم طرح مشارق اذکار بعدی؛ ۱۱- کاشتن بذر صداقت و وفاداری به امر الهی در قلوب همگان؛ و بالاخره ۱۲- نقطه

اتکائی برای فرد بهائیان در سراسر جهان بودن.

\*\*\*

نادرند اصحاب جرائد و علما و فضیلاى جهان که توانسته باشند حضرت شوقى ربانى را در موضع ولايت امر الهى ملاقات کنند. از جمله این نفوس قلیل یکی دکتر مارکوس باخ (Marcus Bach) پرفسور دانشگاه آیوای (Iowa) امریکا و متخصص در ادیان تطبیقى بود. وی در آغاز دهه پنجاه تصمیم گرفت که با عده‌ای از شخصیت‌های طراز اول روحانى جهان که تعالیم حضرت مسیح را در حیات شخصی خود مجسم و مصور کرده‌اند ملاقات و مصاحبه کند و در نتیجه در آپریل ۱۹۵۳ م. به دیدار حضرت شوقى ربانى در حیفا رفت و قبل و بعد از آن با هلن کلر - پاپ پی دوازدهم - دکتر آلبرت شوایتزر و ترزا نومن ملاقات کرد و شرح این دیدارها را در کتابى منتشر کرد زیر عنوان *Circle of Faith* («دائرة ایمان») که اینک چاپ جداگانه فصل ملاقات با شوقى افندى توسط Oneworld (آکسفورد) صورت گرفته است.<sup>۱۴</sup> از جمله در باره آن حضرت می‌نویسد:

«من به ایشان رشک می‌برم که چنین آرامش و اطمینان در وجودشان هست و چنین حس رسالت مقدسى که سراسر زندگى ایشان را در بر می‌گیرد، حسى که همه روحشان را سرشار از اعتماد کرده و جای شبهه و تردیدى برای ایشان باقى نهماده است.»<sup>۱۵</sup>

«ایشان افکار مرا قبل از اینکه به زبان آرم در قالب کلمات خود می‌آوردند و تبسم ایشان نمایانگر آن بود که اندیشه مرا از پیش خوانده‌اند... از جمله این افکار یکی آن بود که چقدر عالم بشرى نیازمند پیامى تازه است، پیامى که به انسانیت بگوید جهان گذشته در حال زوال و افول است و ملکوت الهى در شرف تحقق و حصول... حضرتش وقتى شروع به سخن کرد مرا با تجربه‌ای نوین مواجه نمود، تجربه با یک رهبر مذهبی که تنها مدافع کتاب دینی خود نبود بلکه مدافع همه کتب دینی است.»<sup>۱۶</sup>

«آرى، بهاءالله آن پیام مورد انتظار همه ادیان را با خود آورده و این ولّی امر بهائى است که در حال اجراء و تنفیذ آن برای توحید همه عالم انسانی است.»<sup>۱۷</sup>

«به من این اطمینان داده شده که طرح نخستین وحدت عالم در نوشته‌های [حضرت] بهاءالله و عبداله‌اء موجود است و همه کوشش‌ها که تا حال در جهت نقشه نظم جهانی معمول شده از تأسیس مجمع اتفاق ملل تا سازمان ملل متحد، الهام خود را از سرچشمه بهائى دریافت کرده است.»

«تردید نداشته و ندارم که حضرت شوقى ربانى شخصى است که حاضر است به خاطر عقائد خود صلیب را بر دوش کشد. وی هدفى در حیات خود جز تحقق رسالت و مأموریت خویش نداشته و ندارد. درست است که ایشان به ظاهر بر صفة‌ای جالس بود اما در حقیقت مانند سلطانی بود که بر اریکه خویش نشسته و به شیوه سلاطین نیز سخن می‌گفت.»<sup>۱۸</sup>

چون بنیاد کلام بر اختصار است و باید زمان محدودی را که در اختیار است رعایت نمود لذا برای



نتیجه‌گیری باید اشاره به مقاله‌ای شود که در شماره نوامبر ۱۹۹۳ م. مجله پیام بهائی زیر عنوان «حضرت شوقی ربّانی حماسه‌آفرین عصر تکوین» درج شده است و تا حدودی آنچه را در سخنان شاهدان عینی ذکر شده به تلخیص آورده است. آن مقاله حضرتش را به دوازده صفت و سجدیه عمده وصف می‌کند: اول غصن ممتاز- دوم ولی امرالله- سوم مبین آیات الله- چهارم شارح نظم بدیع جهان آرای الهی- پنجم سازنده نظم اداری بهائی- ششم معجری فرامین ملکوتی- هفتم بناکننده مرکز جهانی بهائی- هشتم مترجم و معرّف آثار بهائی به جهان غرب- نهم بسیج‌کننده و سازمان‌دهنده- دهم مرتبی و سرمشق- یازدهم مفسر تاریخ و بالاخره دوازدهم نمونه عالی فصاحت و بلاغت ادبی. با همه تعدد، وسعت و عظمت این اوصاف که بی‌گمان در وجود نفس منفرد آن حضرت مجتمع و متمرکز بوده است باید تصدیق کرد که هنوز این عناوین، ابعاد بسیار متنوع شخصیت فردی و جلوه‌گری تاریخی آن حضرت را تماماً در بر نمی‌گیرد. فی‌المثل بر این اوصاف باید ذوق سرشار و قریحه نقاد و نبوغ و خلاقیت هنری و توانائی خارق العاده حضرتش را در زیبایی‌شناسی اضافه کرد. آنچه حضرتش به هنگام طرح‌ریزی ابنیه مرکز جهانی یا بعض مشارق اذکار در اقطار عالم و نیز در موقع احداث باغ‌های روضه مبارکه و مقام اعلی و نظائر آن بیان فرموده یا مجری و معمول داشته فی الحقیقه بنفسها دلیل کافی و وافی بر قوت و علو تشخیص و درک هنری آن حضرت است.

وسعت معلومات جغرافیائی آن حضرت که بعضاً نتیجه مسافرت و مشاهده و مطالعه مستقیم در قارّات مختلفه بوده موجب حیرت است. همین دانش پهناور، راهنمای آن حضرت در ترسیم نقشه‌های زیبا و گویائی بوده که برای نشان دادن بسط و انتشار امرالله بر سطح کره ارض تنظیم فرموده‌اند.

حضرت ولی امرالله بنیان‌گذار یکی از مهم‌ترین انتشارات امری هستند که هرچند پیشنهاد آن را جناب هوراس هولی (Horace Holley) به حضور مبارک تقدیم کرد (۱۹۲۴ م.) اما اجرای آن به دست حضرتش در سال بعد صورت گرفت (۱۹۲۵ م.) و آن کتاب «عالم بهائی» بود. هم به راهنمایی آن حضرت بود که بر حسب اشاره قبلی، آمارگیری و احصائیه و ثبت و ضبط احوال شخصیه در شرق و غرب عالم آغاز شد و نیز ضمن جمع‌آوری و سوادبرداری آثار و نصوص مبارکه و نگاهداری صحیح آنها در محفظه‌های امری، توجه خاصی به جمع‌آوری اسناد و مدارک تاریخ امر و عکس‌ها و نقشه‌ها شد و در کسب اطلاعات برای نگارش تاریخ آئین بهائی به مدد دانشمندانی چون میرزا اسدالله فاضل مازندرانی مؤلف ظهور الحق اهتمام تمام رفت.

نکته دیگری که اجمالاً مذکور آمد ولی در باره آن تأکید بیشتر ضرورت دارد علاقه شدید آن حضرت به استقلال امرالله و انفصال آن از شرائع سابقه بود. این استقلال که در دوران ادرنه توسط حضرت بهاءالله در قبال شریعت بیان صورت گرفته بود توسط حضرت ولی امرالله نسبت به همه شرائع گذشته تکمیل و تشدید شد. در زمان حضرتش بود که محکمه مصر و به تعاقب آن الازهر حکم بر انفصال امر بهائی از آئین اسلام و استقلال آن کردند، حکمی که خبرش موجب نهایت رضای خاطر و مسرت آن حضرت شد. در زمان آن حضرت بود که دستور اجرای دقیق بسیاری از احکام

چون اقتناع به همسر واحد و اجتناب از ادای نماز و دعا در مسجد و کلیسا و احتراز قطعی از شرب الکل و موادّ مخدّره صادر گردید و به موقع عمل نهاده شد و اهل بهاء مکلف به اعلام دیانت و عقیده خود بدون تقیّه شدند و این شهامت و صراحت بدانجا رسید که بهائیان ترجیح دادند که مدارس بهائی در سراسر ایران بسته شود و لکن مؤسسات امری در رعایت ایّام تسعه یعنی تعطیلات دینی خود غفلت و قصور ننمایند. هم در روزگار حضرتش بود که اماء الرّحمن در شرق اجازه عضویت در محافل روحانی محلی و ملی را حاصل کردند و بالاخره برقراری و توسعه روابط جامعه بین المللی بهائی به عنوان سازمانی غیردولتی در ابتدا با مجمع اتّفاق ملل و بعداً با سازمان ملل متحد به ابتکار و تحت نظر دقیق و مستمرّ آن حضرت صورت گرفت.

سرانجام باید یادآور شد همان طور که جناب جیاکری در کتاب ارزشمند خود به تفصیل نوشته‌اند حضرت ولیّ امرالله یکم سرمشق و نمونه رهبری را که در آن شجاعت و حکمت، جلالت و فروتنی، قدرت و محبت با هم توأم و سازگار شده‌اند شخصاً به عالمیان ارائه فرمودند؛ الگویی که تأثیرات آفاقی و انفسی آن را تنها آینده امر و آینده جهان برملا خواهد کرد.

درست است که با صعود حضرت عبدالبهاء عصر حماسی رسماً به پایان رسید، اما فی الحقیقه نفس حضرت شوقی ربّانی حماسه آفرین عصر تکوین بودند. خود در نامه‌ای به سال ۱۹۴۱ م. خطاب به یکی از یاران می‌نویسند: «این ایّام ایّامی است که در آن اصحاب ایمان باید نقش قهرمان را ایفا کنند. فداکاری و ایثار، شجاعت و شهامت، امید و اطمینان مطلق، صفات و مشخصاتی هستند که احبّاً باید به منصّه ظهور و بروز برسانند.» (ترجمه به مضمون از حیات بهائی). در همین مکتوب همیکل مبارک سخن از اخلاص کامل به امرالله یا وقف و انحصار خود به خدمت آن و نیز اعتقاد صمیمی به آینده تابناک بشری می‌گویند؛ صفاتی پنج‌گانه که بی‌گمان جوهر و عصاره آنها را در وجود مقدّس حضرت شوقی ربّانی متجسّم و متجسّد می‌توان یافت.

## یادداشت‌ها

- ۱- «در آن تاریخ آثار علوّ و امتناع و سموّ و اعتلاء از برای کلمه الله در شرق و غرب حاصل گردد... و تعالیم الهیه تتمکن فی الارض حقّ التّمکن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها. یومئذ یفرح المؤمنون.»
- ۲- یشی نام پدر داود نبی است.
- ۳- فصل ۱۱، آیات ۶ تا ۹ در سفر اشعای نبی.
- ۴- امة البهاء روحیه خانم، گوهر یکتا در ترجمه احوال مولای بی‌همتا، ترجمه ایدای امرالله ابوالقاسم فیضی، صص ۴۸۲-۴۸۳.
- ۵- به یاد محبوب، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب.، صص ۱۹-۲۰.
- ۶- از ص ۲۲۹ به بعد.

7- *The Vision of Shoghi Effendi*, Ottawa, 1993.

- ۸- علی اکبر فروتن، آثار گهربار، لانگنهاین، لجنة ملی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۳ ب، صص ۲۱۴-۲۱۵.
- ۹- ایضاً، ص ۲۲۰.

- ۱۰- کتاب *The Vision of Shoghi Effendi* ، از ص ۱۷۰.
- 11- Ugo Giachery, *Shoghi Effendi* (Oxford: George Ronald, 1973) (Reprinted, 1974).
- ۱۲- پیام بهائی، شماره ۱۵۶، نوامبر ۱۹۹۲ م، ص ۱۳.
- ۱۳- ایضاً، ص ۱۸.
- 14- Marcus Bach, *A Meeting with Shoghi Effendi* (Oxford: Oneworld, 1993).
- 15- Ibid, p. 30.
- 16- Ibid, pp. 31-2.
- 17- Ibid, p. 33.
- 18- Ibid, p. 37.